

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) "هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم!

در صفحه ۳

برگی دیگر برد فقر جنایات ارتجاع افزوده شد

سرکوب خونین

اعتصاب کارگران "کانادادرای"

در صفحه ۶

جمهوری اسلامی، شریک اجرای سیاست آمریکایی کارشکنی در حل مسأله امت آیز مسئله افغانستان

همه، در حالی است که جنگ اعلان نشده
 امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی به اتفاسق
 ارتجاع پاکستان و ایران علیه افغانستان
 ادامه دارد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان،
 بارها اعلام کرده است در راه دستیابی به
 راه حل مسأله امت آیز مسئله و برقراری مناسبات
 حسن همجواری با ایران و پاکستان از هیچ
 بقیه در صفحه ۴

با گذشت شش سال و نیم از پیروزی انقلاب
 ثور در افغانستان، حکومت مردمی این کشور
 هر روز گامهای استواری در راه تحکیم،
 تثبیت و بازگشتناپذیر کردن روند انقلابی
 در افغانستان بر می دارد. اجرای موفقیت
 آیز اصلاحات مردمی، به ویژه مبارزه پیگیر با
 زمینداران بزرگ و تقسیم زمینهای کشاورزی میان
 دهقانان، پیوند زحمتکشان و دولت انقلابی
 را بطور پیوسته مستحکم تر می سازد. این

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۶ شهریور ۱۳۶۳ برابر با ۷ سپتامبر ۱۹۸۴
 بهاء ۴۰۴ ریال - سال اول - شماره ۲۳

حافظ این خرقه پشمینه ببینی فردا که چه زنا ز زبیرش، به دعا بگمایند! جستجوی کلید حل بحران در گاو صندوق های بازار

بالاخره حرف آخیزده شد و خیال همه
 جناحهای حکومتی راحت شد. بازار با قیافه
 حق به جانب لبخند زد، عوامفریبهای حرفهای
 در یافتند که دیگر لازم نیست دست به عصا را ببرند
 و صد تابه میخ و یکی به نعل بزنند، نخست
 وزیر فوراً بخشنامه صادر کرد و شورای نگهبان
 از بابت سرمایه های "شرعی" (توبیخوان شرع
 سرمایه) خاطرش آسوده گشت.

برای مردم نطق ۶ شهریور خمینی، فتوی
 تازه ای در بر داشت، آنها را بزمیانی است خنجر
 مرصع سرمایه را که بردسته طلائییش آیات و او را د
 حاکم شده است، در جگرخویش خلیده می بینند.
 آنها دریافتند، ارتجاع "بهمین" را که راه
 بقیه در صفحه ۱۲

شتاب رژیم برای سرو سامان دادن به وزارتخانه جاسوسی

های اطلاعاتی که رژیم گذشته تشکیل شده و
 پرونده هایی که ارگانهای جاسوسی رژیم کنونی برای
 طیف وسیعی از جامعه ترتیب داده اند، در کجا
 تمرکز می یابند، دستگاههای جدید کنترل تلفن
 و ردیاب خریداری می شوند و از دستاورد های
 موجود کار بیشتری کشیده می شود، بر تعداد
 بقیه در صفحه ۴

جمهوری اسلامی با شتاب تمام در حال
 سرو سامان دادن به دستگاه اطلاعاتی خویش
 است. بین نهاد های مختلف جاسوسی،
 هماهنگی و بعضاً ادغام صورت می گیرد، کادرهای
 ساواک و ضد اطلاعات ارتش با آغوش بازتری به
 کار دعوت می شوند، زیر نظر اینان، در کلاسهای
 ویژه، جاسوسهای حرفهای تربیت می شوند، پرونده

۱۷ شهریور، روزی که پایداری خلق، مهرنگ ابدی بر رژیم ستمشاهی زد

در صفحه ۷



گرفته مشترک فدائیان خلق - دانمارک و هواداران حزب
 توده ایران در جشن روزنامه "لن افالک" در صفحه ۵

هزاران شرکت کننده در جشن
 روزنامه "لن افالک"
 (ازگان حزب کمونیست دانمارک)،
 نمایندگان فدراسیون سراسری
 کارگران حمل و نقل هندوستان
 و هنرمندان و دموکراتهای
 ایتالیایی، سیاست خاندانه رژیم
 ج.ا. منی بر تداوم جنگ و سرکوب
 نیروهای انقلابی را محکوم میکنند

به مناسبت یازدهمین سالگرد
 کودتای آمریکایی پینوشه در شیلی

سالوادور آلنده: تاریخ از آن ماست!

در صفحه ۱۰

ورزش ایران، در صفحه ۸
 بیماری در حال احتضار

"طرح سالم سازی" دریا
 تحلی انحطاط فکری و اخلاقی

در صفحه ۹

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

جستجوی کلید حل بحران در کاوشندوق های بازار

بقیه از صفحه اول

سرمایه راسد کرده بود اما میان برداشته است. اکنون بازار دارد فاتحانه پیش می تازد.

نطق ۶ شهریور رهبری جمهوری اسلامی، بیان صریح يك فتوای کهنه بود. حتی خود او نیز به این امر اذعان داشت آنجایی که گفت: "بازار را شریک کنید در کارها... این يك مساله ایست که بسیار مهم است در نظرم... من کراراً هم گفته ام آقایان هم وعده دادند و لسی نمی دانم چقدر عمل شده، در هر صورت این هم از مسایلی است که بسیار اهمیت دارد." (اطلاعات - ۷ شهریور)

نخست وزیر نیز به درستی حاضر نشد در مصاحبه مطبوعاتی ۱۲ شهریور، از يك چرخش صحبت کند. او گفت: "ما این مرحله را به هیچ وجه چرخشی در سیاستهای اقتصادی نمی دانیم. بلکه يك توجه تازه به نیروهای می دانیم که در جامعه از استعداد بالایی از نظر سرمایه و سایر مشخصات برخوردار هستند." (رادیوی رژیم - ۱۲ شهریور). او در جای دیگری از این مصاحبه بر این نکته تاکید داشت که روند پرشتاب گزینش رشد سرمایه داری بعد از مدتی دست به عصا رفتن و پشتک و واروژدن مدتهاست آغاز شده و نطق اخیر ولی ققیسه تنها کنلزدن پرده های شرم و حیای بوده است. به بیان خود او "سیاستهای اقتصادی الان ایران، همان شکل تکامل یافته آن سیاستهای قبلی است و اگر برنامه های ۵ ساله ای که دولت به مجلس ارائه داده، دقت بشود، دیده خواهد شد که به تدریج برای بخش خصوصی، سهم بیشتری جهت شرکت در فعالیتهای اقتصادی در نظر گرفته شده، و در این زمینه من فکسر نمی کنم. يك چرخش و يك تجدید نظر اساسی صورت گرفته باشد." (همانجا)

بنابر این ممکن است این سؤال پیش آید که اهمیت فتوای ۶ شهریور در چیست؟ اگر صحبت از يك چرخش در میان نیست آیا نباید به این فتاوی بماند گامی همانند گامهای قبلی در جهت از میان بردن همه موانع غارتگری سرمایه داری نگریست؟ اگر صرفاً از روی سیاستهای اقتصادی رژیم به قضیه نگاه کنیم پاسخ سؤال اخیر مثبت است. خود موسوی نخست وزیر هم دیدیم که گفت هیچ اتفاق مهم تازه ای نیافته است. "بخش خصوصی" پیش از این نیز، بر روی تخم چشم رهبران رژیم جاداشته است و به تدریج بر میزان سهمش، افزوده گشته است. آقای وزیر یارگانی نیز، مساله را از زاویه تجارت خارجی، چنین توضیح می دهد: "اصولاً سیاست بازرگانی خارجی این وزارتخانه در گذشته نیز بر مبنای مشارکت بخش خصوصی استوار بوده است، اما پیام

امام استحکام تازه ای را جهت مشارکت دادن... افراد خبره در کارهای تجاری وزارت بازرگانی بوجود آورده است."

بنابر این در عرصه اقتصاد حادثه مهم تازه ای رخ نهموده است. فقط به حرفهای کهنه صراحت بخشیده شده است. اما اگر بتوانیم بطور انتزاعی و فقط بطور انتزاعی، حوزه های اقتصاد و سیاست را زهم تفکیک کنیم، جایگاه سخنان اخیر خمینی در عرصه سیاست کجاست؟ برای پاسخ دادن به این سؤال باید کمی به عقب برگردیم. بحثهایی که حول قضیه رای اعتقاد به موسوی و کابینه او در گرفت، به خوبی حدت و شدت بحران و اختلاف در درون حاکمیت را نشان داد و زنگهای خطر در درجهان را نیز که برای داشتن بازتاب علنی فقط با برق فشار قوی کار می کنند، به صدا در آورد. سخنرانی ۱۹ مرداد رهبری جمهوری اسلامی همگانه گونه که بحث بر روی کابینه موسوی در مجلس نشان داد - نتوانست آتش را خاموش کند. او در این سخنرانی بر نقطه اشتراک جناحهای وقیف که همانا شرکت در يك حکومت بی آیند ماست، تاکید کرد و گفت خللی وارد نیامد که "امروز اگر خللی وارد بشود در این جمهوری اسلامی، نمی دانید که با ما چه خواهند کرد!" اما حفظ وحدت تنها با دادن امتیازهای مکفی امکان پذیر است نه با دست گذاشتن بر روی نقطه اشتراک شرکت در يك حکومت بی آینده، نه با تاکید بر این که حیات و معات همه جناحها به یکدیگر وابسته است، نه با دعوت به بحثهای طلبگی و مدرسی پشت پرده و بالاخره و از همه مهمتر نه با ترساندن از حریق خشم مردم که حتی هم آن در منطقه بیلاقی، جماران نیز عرق بر پیشانی می آورد. راست افراطی در درون حکومت که در سخنرانی ۱۹ مرداد مخاطب قرار گرفت اکنون چنان قدر تمدد است که به هیچ وجه به موضعی که در حال حاضر در رید اختیار دارد، بسنده نمی کند. این جناح که با رزترین مظهر پیوند "بازار" و "حوزه است"، در جریان بحثهای رای اعتقاد نشان داد دیگر باکی از آن ندارد که به قول سرمقاله نهجس اطلاعات ۱۴ و ۱۵ مرداد علناً با ولی ققیه نیز در بیفتد.

آتش حرص و آزار بازاری و خود رایی و قدرت طلبی آخوندی را مگر می توان تنها با دعوت به اتحاد و بحثهای طلبگی خاموش ساخت؟ ولی ققیه نیز بعد از جریان رای اعتقاد دیگر کاملاً به این نکته وقف یافت. می بایست امتیاز داد. امتیازی که هم بازار را راضی کند و هم حوزه را. هم صاحبان سرمایه "شرعی" را خشنود کند و هم نگهبانان شرع سرمایه را. ولی ققیه مدتها بود کوشش می کرد دل هر دو طرف را به

دست آورد و تا حدی موفق نیز شده بود. اما راست افراطی می خواست هیچ کس در حاکمیت از بابت موضع جماران متوهم باقی نماند. آخر سرمایه عاقبت اندیش است و حساب "انالله و انا الیه راجعون" را هم می کند! این بود که ندا داده شد: "بازار را شریک کنید... در کارها، بازار را کنار نگذارید... کارهایی که از بازار (بر) می آید، جلوش را نگیرید... یعنی مشروع هم نیست، آزادی مردم (۱) نباید سلب شود!... مردم صحیح و مردم متدین و مردم کاردان زیاد هست در بازار... عده این است که برای این مستضعفینی (۱) که به شما خدمت کردند خدمت نکنید و خدمت هم به این است که اینها را، بازارها را در کار وارد کنید، شریک کنید!" (اطلاعات ۵ شهریور)

فاتحه اصل ۴۴ مبنی بر دولتی کردن تجارت خارجی هم بالکل خوانده شد و دست به دست گشتن لایحه مربوطه بین مجلس و شورای نگهبان خاتمه یافت. شورای نگهبان پسرنده نهایی شد. حکم شرعی داده شد که "دولت باید نظارت بکند، مثلاً در کالاهایی که می خواهند از خارج بیاورند، مردم را (بخوان تجار "محترم" را) آزاد بگذارد" (همانجا)

سناریو از قبل نوشته شده بود. بلافاصله نخست وزیر بخشنامه صادر کرد و به این فتاوها جامه اجرا پوشاند. به دنبال آن وزیر بازرگانی و یکی از فقهای شورای نگهبان و خود موسوی مصاحبه راه انداختند. تایید و تکریمها و چاپلوسی های همیشگی نیز تکرار شد و ظاهراً چنین بر آمد که همه خوشحال و راضی گشته اند.

بنابر این يك جنبه مهم فتاوای ۶ شهریور تعدیل بخشیدن به اختلافات درون حاکمیت بود و امتیاز دادن به جناحی که داشت شمعی را از روی می بست. جنبه دیگر قضیه خارج ساختن دستگای اجرائی از يك بن بست و برافکندن پرده های شرم و حیای ولی این جنبه ها در برابر یک عامل عده فرعی مساله را تشکیل می دهند. اصل مساله کجاست؟ اصل مساله را باید در ورطه عمیقی که بین مردم و حاکمیت ایجاد شده است، جستجو کرد. بحران درونی حاکمیت فقط در رابطه با نارضایتی وسیع و حرکت دامنگستر مردم معنی دارد. بهبود نیست که در بخشهای مهمی از سخنرانی های ۱۹ مرداد و ۶ شهریور ولی ققیه، تلخاً و یا صریحاً به این مساله اشساو می شود.

اما کلید حل بحران در نزد کیست؟ هر کسی از ظن خود به این پرسش اساسی، پاسخ می گوید. بینش طبقاتی سران حاکمیت ذهن آنان را معطوف به بازار می سازد. این سخن کلی ناظر به کلیت روند است و نمی تواند روشن سازد چرا بعد از يك فاصله کوتاه از قضیه رای اعتقاد، مشارکت "بازار" واجب شرعی اعلام شد. برای برخورد مشخص با مساله باید بازمی به عقب برگردیم. در جریان "رای اعتقاد"،

اعلاميه مشترك كميتۀ مركزي حزب توده ايران و كميتۀ مركزي سازمان فدايان خلق ايران (اکثريت)

”هفته جنگ“ را به هفته مبارزه در راه صلح تبديل كنيم!

هم ميهنان عزيز!

روز ۳۱ شهريور جنگ خانمانسوز ايران و عراق وارد پنجمين سال خود مي شود. اين جنگي است كه ادامه آن به سود برانگيزنده اصلي آن، يعني امپرياليسم آمريكا است.

جنگ كه با هدف عقيم كردن تداوم انقلاب مردمى بهمن ۵۷ از سوى امپرياليسم آمريكا به مردم ميهن ما تحميل شد، در ادامه خود به به اهرم و دستاویز پيشبرد توطئه ها و نقشه هاى کوتاه مدت و دراز مدت امپرياليسى در منطقه تبديل گرديده است. امپرياليسم آمريكا به بهانه واهى تهديد ”منافع حياتى“ با تشديد بى سابقه حضور نظامى خود در خليج فارس و اقيانوس هند نه تنها استقلال و حاكميت و تماميت ارضى ايران، بلكه استقلال ديگر خلق ها و كشور هاى منطقه و نيز صلح و امنيت جهانى را در معرض خطر واقعى قرار داده است.

اين جنگ هستى سوز قربانى ها، فجايع و بلاياى بى شمارى را بوجود آورده است. شمار كشته شدگان هر دو سوى آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولين به ۱/۵ ميليون نفر مى ريزد. شمار ايراني ها و عراقى هاى كه از خانه و كاشانه خود در نوار مرزى آواره شده اند و در پشت جبهه در شرايط دشوار و توافرسايى زيست مى كنند از رقم سه ميليون تن مى گذرد، و ميزان خسارت مالى به صدها ميليارد دلار بالغ مى شود.

جنگ، بختك نگرانى و دلبره فراگيرى را به جان مردم انداخته است. در بين زحمتكشان كثر خانواده اى را مى توان يافت كه به سوگوارى عزيزى زانوى غم در برنگرفته باشد. صدها هزار مادر و پدر كه جوان نوسى در جبهه سوزان جنگ دارند با دلبره مرگ بيهوده فرزند دلبنده خویش دست به گريبانند.

جنگ موجب درغلطيدن اقتصاد كشور به كام بحران ورشكستگى شده است. وابستگى صنعتى به جهان سرمايه دارى تشديد شده و كشاورزى با بحران عميقى روبرو است. تورم و گراني سرسام آور و بيكارى و مهاجرت فزاينده روستايان از هستى ساقط شده به شهرها بى آمد ناگزير ادامه جنگ است. كارگران و دهقانان و ديگر زحمتكشان زير فشارهاى اقتصادى ناشى از جنگ دست و پا مى زنند.

ادامه جنگ، شرايط قدرت گيرى و تسلط نيروهاى ارتجاعى راستگرا، حاميان منافع غارتگران كلان سرمايه داران و بزرگ مالكان را در حاكميت جمهورى اسلامى فراهم آورده است. جنگ عامل عمده چرخش حكام جمهورى اسلامى به راست و تشديد رژيم ترور و اختناق در كشور است. به بهانه ادامه جنگ، خواستها و اعتراضات توده هاى مردم و نيروهاى انقلابى را با اشكال خشن و غير انساني در نقطه خفه مى كنند. كارگران

كه در ارتباط با شرايط سخت زندگى خود دست به اعتراض و اعتصاب مى زنند بازداشت و زندانى مى شوند. دهقانان معترض به بازگشت بزرگ مالكان و بازستاندن زمين هاى واگذار شده سركومى مى شوند. خلق كرد كه خواستار پايان بخشيدن به محروميتهاى تاريخى و احراز حق مشروع خود مختارى در چارچوب حفظ استقلال و تماميت ارضى كشور است، به خاك و خون كشيده مى شود.

ادامه جنگ بدون خريد جنگ افزارهاى پيشرفته مقدور نيست. بر اين اساس، رژيم با فروش اركان نفت، به سوى انحصار امپرياليسى روى آورده و به مشترى سود رسان سوداگران مرگ تبديل شده است. تشديد روند وابستگى نظامى به امپرياليسم و بازسازى تاسيسات صنعتى صدمه ديده و ويران شده، شرايط سرازير شدن سود هاى كلان به حلقوم سبرى ناپذير انحصارات صنعتى و نظامى را فراهم مى كند. نياز رژيم براى خريد قطعات يدكى جهت جنگ افزارهاى آمريكايى، حربه كارسازى در كشف امپرياليسم نهاده تا قرارداد هاى اسارت ببار و نابرابرى در زمينه هاى گوناگون نظامى و اقتصادى به كشور ما تحميل كند.

سران جمهورى اسلامى كه به دنبال حيلات پيايى و تافرجام از پشتيبانى مادى و معنوى مردم محروم مى مانند و به علت عدم آمادگى براى پذيرش صلح، جنگ را به بن بست نظامى سياسى و اجتماعى كشيده اند، به اين ”نتجه“ رسيد مى مانند كه پيروزى در ميدان جنگ، لزوماً بى حمايت امپرياليسم جهانى، به سرگردگسى امپرياليسم آمريكا، به دست مى آيد. از اين رو، مدت هاست كه سياست خارجى هيئت حاكمه با روند بازسازى وابستگى اقتصادى به امپرياليسم و همسوئى و همسانى سياسى با بركاندگان و آتش بياران اصلى جنگ آميخته است.

پس از گذشت چهار سال از آغاز جنگ، در شرايطى كه ادامه آن به وسيله شوى براى اجراى اهداف و مطامع ماجراجويانه و بلند پروزانه ”صدم انقلاب“ سردمداران رژيم تبديل شده است، توده هاى زحمتكش ديگر حاضر به ادامه اين جنگ نيستند. موج ناخشنودى و اعتراض توده هاى وسيع مردم نسبت به سياست ادامه جنگ هر روز به اشكال گوناگون بالا مى گيرد. اوج گيرى روحيه ضد جنگ در ميان همه اقشار و طبقات زحمتكش و حتى رده هاى گوناگون نظامى و بوسيج، بى سياست سركومب آشكار و پراكندن بذر رعب و وحشت رها رويده است. كار به جايى رسيده كه مقامات دولتى، از جمله رئيس جمهورى، هرگونه ”سياست بازى“ به معنى بحث و گفتگو و تفكر در باره علل و درونما و فرجام جنگ را ممنوع اعلام كرد باند. رسانه هاى گروهى زير ساطع مى

شد يد ترين سانسور قرار گرفته اند تا مبادا گوش هاى از خواسته هاى صلح طلبانه توده مردم بازتاب يابد. ولى با وجود اين، رژيم موفق به فرونشاندن روحيه صلح خواهى مردم نشده و نخواهد شد. روزى نيست كه جوانان از جبهه ها نگريند، روزى نيست كه در مراسم سوگوارى جوانان و كوچكاني كه از كارگاه ها و مدارس و مزارع به ميدانهاى مين كشيده شده اند، شعارهاى ضد جنگ داده نشود، روزى نيست كه فرياد اعتراض مادران و پيسدaran داغ ديده شنيده نشود، روزى نيست كه كارگران و كارمندان به كسريك روز از حقوق ناچيز خود براى جنگ اعتراض نكنند، مردم از كمك و رفتن به جبهه خود دارى مى كنند.

در شرايط كنونى جنگ به عامل كارآمد و مؤثر پياده كردن اهداف و پيسكرايه و ضد ملي رژيم تبديل شده است. ادامه جنگ نتيجه اى جز ژرفش و گسترش سياست ضد دمكراتيك و استقلال بريادده، جز تشديد روند بحران اجتماعى و اقتصادى و تحكيم وابستگى نظامى و اقتصادى به امپرياليسم، جز استوار شدن مواضع كلان سرمايه داران و بزرگ مالكان و ديگر يغماگران داخلى و خارجى، جز غارت دسترنج ناچيز كارگران و دهقانان و كوشت دم توپ كردن فرزندان توده هاى محروم ندارد.

بى آمد هاى فاجعه بار اين جنگ نه تنها دامنگير نسل امروز، بلكه نسلهاى آينده ايران نيز هست. سياست ”اقتصاد جنگى“ و غيره سراپاى هستى جامعه را در خدمت اهداف توسعه طلبانه و ماجراجويانه حكام ارتجاعى گذاشته است.

هم ميهنان عزيز!

حزب توده ايران و سازمان فدايان خلق ايران (اکثريت)، از همان آغاز جنگ موضع اصولى، قاطع و عميقاً مردمى و ضد امپرياليسى نسبت به جنگ داشته اند و در حال حاضر نيز دارند. تودمايى ها و فدايان براى انجام وظيفه ملي و ميهنى خوشتره رمانانه دوشاد و ش مردم در سنگر هاى خونين و مقدم جبهه عليه اشغالگران رزميدند و از هيچ گونه ايشمار و فداكارى فروگذار نکردند. هيچ كسى نمى تواند حماسه آفرينى ها و نقش تعيين كننده افسران ميهن پرست همانند افلى ها، كيبيرى ها و عطاريان ها را در روزهاى جنگ كه در خاك ميهن ما جريان داشت، ناديدده انگارد، فاتحان ميدانهاى جنگ كه به دست حكام ارتجاعى به جرم ميهن پرستى به جوخه هاى اعدام سپرده شدند.

با درهم شكستن نقشه مهاجمين، حزب توده ايران و سازمان فدايان خلق ايسران (اکثريت) به حق خواستار پايان جنگ شدند. شعار پايان جنگ كه به گونه اى ژرف با منافع و بقيه در صفحه ۵

جمهوری اسلامی، شریک اجرای سیاست آمریکایی کارشکنی در حل مسأله امت آمیز مسئله افغانستان

بقیه از
صفحه اول

کوششی درینغ نخواهد ورزید. به این منظوره رهبران افغانستان پیشنهادها و ابتکارات متعددی ارائه کرده اند. اما همه این پیشنهادها و پاکستان سازنده، از سوی حکام ارتجاعی ایران و پاکستان رد شده است. ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان و روحانیون مستبدی که در تهران بر مسند قدرت تکیه زده اند، از هر گونه مذاکره با دولت قانونی و مردمی افغانستان ظفره رفته اند. آنها که سود به وقیحانه ترین شکل، در امور داخلی افغانستان مداخله می کنند، کمک محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان به درخواست دولت این کشور را بهانه قرار داده و از هیچ کارشکنی در تلاشهای محافل بین المللی بمنظور دست یابی بیک راه حل مسالمت آمیز، فروگذار نمی نمایند. از جمله به ماوریت "دیهگو کوردوز" فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد برای مسئله افغانستان، از هنگام آغاز در سال ۱۹۸۲، همواره با موضع مخرب دولت پاکستان و به ویژه جمهوری اسلامی روبرو بوده است. امپریالیسم آمریکا نیز که با حل و فصل "مسئله افغانستان" کانون مهمی را برای تشنج آفرینی و پراخاندن "جنگ صلیبی" علیه سوسیالیسم و جنبشهای رهایی بخش از دست خواهد داد، دولتهای ارتجاعی منطقه و مخصوص پاکستان را تحت فشار قرار می دهد تا از تن دادن به مذاکره و جستجوی یک راه حل صلح آمیز خودداری کنند. البته آمریکا برای وادار کردن حکام جمهوری اسلامی به گرفتن یک موضع صد در صد مطابق میل خود در رابطه با این مسئله نیاز به کوشش گسترده ای نداشته است. حتی

آن زمان که دعای "ضد امپریالیستی" رهبران جمهوری اسلامی گوش فلک را کر می کرد، آنها فعالانه در جنگ اعلان نشده "سیا" علیه انقلاب افغانستان شرکت می جستند. امروز هم این سیاست ضد ملی و خائنه ادامه دارد. جمهوری اسلامی در قبال میانجی گری سازمان ملل متحد، حتی از غیاء الحق آمریکایی نیز، که عوامل معینی رژیم او را ناچار به نشستن پای میز مذاکره در ژنو کرده است، سیاست کارشکنانه تری دارد. در حالی که اخیرا سومین دور مذاکرات وزیرای خارج افغانستان و پاکستان به میانجی گری "کوردوز" در ژنو انجام شد، شاه محمد دست و وزیر امور خارجه افغانستان، آن را بسیار سودمند خواند، وزارت خارجه جمهوری اسلامی، با انتشار بیانیهای، این مذاکرات را مورد حمله قرار داده (اطلاعات ۳ شهریور) روزنامه های جمهوری اسلامی، که ید طولایی در دروغ پراکنی در باره به اصطلاح "پیروزی" های نظامی اشرار افغانی دارند، دست به چاپ اعلامیه های ترویه های ضد انقلابی افغانی درباره این مذاکرات زدند.

البته جاز و جنجال مرتجعین حاکم در رابطه با مذاکرات پیرامون مسئله افغانستان پیچیده نیست. در صورت به نتیجه رسیدن این مذاکرات، اجرای سیاست صدور و غنای انقلاب که جمهوری اسلامی، دست در دست ارتجاع منطقه و آمریکا، با کینه ای ددمنشانه نسبت به انقلاب افغانستان دنبال می کند، با دشواریهای جدی روبرو خواهند شد.

شتاب رژیم برای سروسامان دادن به وزارتخانه جاسوسی

بقیه از صفحه اول

گشت های علنی و مخفی افزوده می گردد، مزدوران بیشتری اجیر می شوند، به انجمن های اسلامی نهاد های "حراست"، امور تربیتی، بسیج، مساجد و ... وظایف جدیدی محول می شود و بالاخره برای همه این کارها بودجه هنگفتی اختصاص می یابد که خرج حفظ پایه های لرزان رژیم ددمنشی می گردد که بحران سرتا پای آنرا فسر گرفته و در دل اکثریت قریب به اتفاق آحاد ملت نفرت عمیق و عظیمی را برانگیخته است.

یکی از مهمترین کارکرد های نهاد های جاسوسی رژیم در حال حاضر جمع گیری اطلاعات مختلف است. این کار در پوشش های متنوعی انجام می گیرد و حتی از دفترچه های بسیج اقتصادی نیز برای کسب اطلاعات در مورد اهالی یک محل استفاده می شود.

دیگر همه مردم می دانند که شعبه های

از ساواک جمهوری اسلامی در پستخانه ها و مراکز تلفن مستقر شده است تا مکاتبات و مکالمات تلفنی مردم را کنترل کند. در این رابطه آخرین اقدام این شعبه تلاش بر روی ساختن پرونده در مورد تک تک شماره تلفنهایی است که در اختیار مردم است. این تلاش به بهانه تهیه دفترچه های راهنمای تلفن صورت می گیرد. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ مرداد می نویسد:

"بر اساس طرح شناسنامه استفاده کنندگان تلفن، کلیه اطلاعات لازم در مورد مشترکین تلفن جمع آوری شده و در یک مجموعه کامل جهت ارائه راهنمای های لازم ثبت خواهد شد. با استفاده از این طرح ضمن گردآوری اطلاعات لازم و کافی در مورد تمامی استفاده کنندگان تلفن و ارائه اطلاعات صحیح و درست به مردم (۱) در صورت نیاز هر گونه نقل و انتقال تلفن دقیقا به

جستجوی کلید ...
بقیه از صفحه ۲
نابندگان منسوب به جناح "راست افراطی" در مجلس، در اکثر سخنرانی های خود از نارضایتی مردم دم زدند.

"راست افراطی" کوشید برای گرفتن امتیاز، نارضایتی مردم را، در درون حاکمیت به کونای فریب آمیز، باز تولید کند. "راست افراطی" کوشید نارضایتی خود را نارضایتی مردم جابزند و حتی در گرم گرم قضیه رای اعتماد تلاش کرد بازار را به حرکت در آورد تا حاکمیت کاملاً تحت فشار قرار گیرد و در طیف ارتجاع حاکم رسم بر این است که هر جناحی که می خواهد امتیازاتی به دست آورد خود را نماینده مردم جا بزند. اما مردم راه خود را می روند و اینان کار خود را می کنند.

تأثیر "نارضایتی" مردم را علاوه بر "بازتولید" و هتاحت آمیز آن از سوی راست افراطی، به صورت آشکار در سخنرانی شهریه می توان دید. در این سخنرانی به دولت توصیه شد حول "کارکردها" و "دستاورد ها" خود تبلیغات راه بیندازد. "عدالت اسلامی" باید کاملاً مراعات شود. عوامفریبی برای مردم و اجازه شرعی غارت از آن بازار!

از صحن خانه تالبانیان از آن من از بام خانه تا به تیرا از آن تیرا و سخنرانی ۶ شهریور، کام دیگری در جهت بازگذاشتن دست کلان سرمایه داران و بزرگان مالان بود. این بار نیز تطهیر غارتگری سرمایه به اسم مردم صورت گرفت. جمهوری اسلامی از این ترفندها بسیار دارد. در زیر خرقه پشمینه ارتجاع حاکم هنوز زنارهای بسیاری نهفته است. این نیز یک نمونه اش بود، یک نمونه برجسته.

ثبت رسیده و استفاده کننده واقعی تلفن مشخص خواهد شد " اطلاعاتی که جمع آوری می شود " شامل نوع مالکیت، محل نصب، صاحب امتیاز تلفن، نشانی دقیق محل نصب، وضعیت محل نصب ... و غیره می باشد. با مشترکینی که نسبت به ارائه اطلاعات خواسته شده با شرکت مخابرات همکاری نکنند، طبق مقررات رفتار خواهد شد. ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب رژیم، کنترل ویژه ای را بر روی شبکه تلفنی کشور اعمال می کنند و تا کنون از این طریق توانسته اند ضرباتی را به نیروهای انقلابی وارد سازند. بکارگیری سیستم های مدرن برای ردیابی مکالمات و شماره و آدرس تلفن در یک مدت کوتاه و استفاده از تجربیات دیگر سازمانهای جاسوسی در این زمینه برای ارتجاع حاکم، ارزش خاصی برخوردار است. حال رژیم با اجرای این طرح می خواهد در این زمینه پرونده های اطلاعاتی خویش را تکمیل کند. رژیم جمهوری اسلامی در بکارگیری شیوه های جاسوسی گوی سبقت را از سلف سرنگون شده خود ربوده است. اما هیچ یک از این اقدامات نمی تواند رژیم را از یک فانی ناگزیر، رهایی بخشد.

هزاران شرکت کننده در جشن روزنامه "لن افالک" (ازگان حزب کمونیست دانمارک)، نمایندگان فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل هندوستان و هنرمندان و دمکراتهای ایتالیایی، سیاست خائنه رژیم ج.ا.مبنی بر تداوم جنگ و سرکوب نیروهای انقلابی را محکوم میکنند

دانمارک

بنایه دعوت حزب کمونیست دانمارک، هواداران حزب توده ایران و سازمان ملی - غره مشترکی در نهمین جشنواره روزنامه "لن افالک" (Landogfolk) برپا کردند، این جشنواره که همه ساله در ماه اوت در شهر کپنهاک برگزار می شود، به یکی از جشنهای ملی مردم دانمارک تبدیل شده است و همه ساله قریب به ۲۰۰ هزار نفر شرکت کننده دارد. امسال نیز در روزهای ۱۸ و ۱۹ اوت این مراسم، با شکوه بی نظیری برگزار شد. غره مشترک حزب و سازمان مورد باز دید هیاتهای از جانب غره اتحاد شوروی، مجارستان - کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک و احزاب برادری گرو نیز صد ها شرکت کننده در این جشنواره قرار گرفت. بازدید کنندگان غره مشترک، با امضای متن درخواست آزادی زندانیان سیاسی و محکومیت کشتار و اختناق سیاه حاکم میهن ما، حمایت خود را از مبارزات انقلابیون و مردم ایران، ابراز داشتند.



در غره مشترک که با آرم نشریات "کار" و "نامه مردم" و شعارها، و پوسترهای متعددی در محکومیت رژیم ج.ا.م تزئین شده بود، از طریق آرایه کتاب و اعلامیه های افشاگر و نیز توضیحات شفاهی، بازدید کنندگان از وضعیت حاکم بر ایران و مبارزات کمونیستها و نیروهای انقلابی علیه ستم و اختناق که از جانب رژیم مرتجع ج.ا.م پی گرفته می شود، بیشتر مطلع شدند. استقبال بازدید کنندگان از این افشاگرها و همبستگی پر شور آنها بسیار چشمگیر بود. در جریان جشن تعداد ۴۰۰۰ نسخه

از یک اعلامیه مشترک هواداران حزب و سازمان به زبانهای انگلیسی و دانمارکی نیز تهیه شد. رژیم ج.ا.م اختصاص داشت، پخش شد. بعد از اتمام جشن، در روزنامه "لن افالک" و برخی دیگر از روزنامه های دانمارک، عکسهایی از غره مشترک حزب و سازمان به چاپ رسید. این روزنامه ها بویژه برای نکته با تحسین نگریسته بودند که غره کمونیستهای ایرانی در کنار غره حزب کمونیست عراق واقع شده بود و بر این مساله دلالت داشت که مردم و نیروهای انقلابی ایران و عراق باید یکپارچه روند و جنگ ارتجاعی بین دو کشور را محکوم می کنند.

هندوستان

درد و مین کنفرانس سراسری فدراسیون کارگران حمل و نقل هندوستان که از ۱۳ تا ۱۵ ماه اوت، در شهر مدرس برگزار شد قطعنامه زیر در محکومیت رژیم ج.ا.م و پشتیبانی از نیروهای انقلابی ایران، به تصویب رسید: "ما شرکت کنندگان درد و مین کنفرانس فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل هندوستان، بازداشت، شکنجه و اعدام هزاران نفر از انقلابیون ایران را توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، محکوم می کنیم. رژیم جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را مخفیانه اعدام می کند. این اقدام ضد بشری و وحشیانه از نظر ما محکوم است. تداوم جنگ ایران و عراق باعث نابودی اقتصاد و مردم دو کشور و نیز برخلاف منافع خلقهای منطقه است. ما تداوم این جنگ بی معنی را محکوم می کنیم. ما خواهان آنیم که:

اعلامیه مشترک

سیاست ارتجاع حاکم در تضاد بود، یکی از عوامل عمده یورش سبانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) شد. ولی گذشت زمان و واقعیت سرسخت زندگی حقانیت شعارها و پیشنهاد های ما را ثابت کرد و نشان داد که ادامه جنگ تنها به زیان خلقهای ایران و عراق و به سود امپریالیسم آمریکا است. در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، جنگ به عنوان عدد مترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما به شمار می آید. در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم هر سال "هفته جنگ" برگزار می کند و با تبلیغات پیر دامنه پیرامون شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و در پرده نگه داشتن اهداف واقعی خویش از ادامه جنگ به منظور توجیه سیاستهای خود استفاده

۱ - اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی فورا متوقف شود و زندانیان سیاسی هر چه زود تر آزاد گردند.
۲ - جنگ بین ایران و عراق پایان یابد.
۳ - دادگاههای مخفیانه و فرمایشی اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست متوقف شود. ما از تمام نیروهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان می خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه همه جنایات رژیم ایران بلند کنند.
ما همبستگی خود را با حزب توده ایران و فداییان (اکثريت) و دیگر نیروهای پیشرو ایران ابراز داشته و آرزوی کنیم در مبارزه شان برای بهروزی مردم ایران موفق و پیروز باشند.
امضا از جانب هیات ریسه

ایتالیا

این فراخوان از جانب هنرمندان و دمکراتهای ایتالیایی در اعتراض به سیاستهای ضد بشری و جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی صادر شده است:
"رژیم جمهوری اسلامی با توسل به موج جدیدی از اختناق و شکنجه علیه نیروهای دموکرات و با ادامه جنگ غیر قابل قبول ایران و عراق، سیاست اتحاد با امپریالیسم رادیکال می کند.
ما بر مبنای حقوق بشر، خواستار پایان یافتن اقدامات سرکوبگرانه در ایران و نیز آزادی انقلابیون ایرانی می باشیم.
در خاتمه درخواست می کنیم به جنگ بی معنی ایران و عراق و کشتار خلق کرد پایان داده شود."
تاکنون ۱۲ نفر از نقاشان مشهور و مترقی ایتالیا این فراخوان را امضا کرده اند که اسامی آنها چنین است: "پرفسور سگاتو، آلبرتو ماری، فرانچسکو کاللا ساره، تونوفرانگاریو، امیلیو باراکو، آلیونو پالما، کارلو زارا، سیلیویا کالزا، فرانچسکو لویچانتی، نادر، پیرو پیرین، الیو آرمانو".

می کند.

مبارزه علیه مداخله امپریالیسم و مبارزه علیه نیروهای وابستگار و آزادی کش حاکم، عمیقاً و ماهیتاً با شعار تودهای "ما صلح می خواهیم و نه جنگ" پیوند دارد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) همه احزاب و سازمانهای ضدامپریالیست و مترقی، همه نیروها و شخصیتهای ملی و میهن پرست را فرا می خوانند تا یکپارچه و یکصداد، و شهادت تودهای زحمتکش که بار اصلی جنگ را بر دوش دارند، همه توان خویش را به کار گیرند تا "هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح و هفته افشاگری اهداف رژیم از ادامه جنگ تبدیل کنند. اتحاد و مبارزه یگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

برگی دیگر برد فتر جنایات ارتجاع افزوده شد

سرکوب خونین اعتصاب کارگران "کانادادرای"



"کانادادرای" در جاد فکرج، پخش شد

کارگران اعتصابی در حین تجمع در صحن کارخانه شعار مرگ برمدیرعامل دادند و خواهان مذاکره با او گردیدند. مدیرعامل مسل با لاشر به ترس و لرز در جمع آنها حضور یافت و خواستار مذاکره با نمایندگان کارگران شد. کارگران پاسخ دادند: "سال گذشته نمایندگان ما را زندانی کردید. ما به نیرنگ شعلایی برده ایم و اکنون می خواهیم همگیان با شما مذاکره کنیم." قاطعیت کارگران، مدیرعامل و اعوان و انصار او را از جاد برید. آنها قول دادند به خواسته های کارگران رسیدگی کنند و تقاضای مهلت کردند. این مهلت داده شد ولی اعتراض به صورت کم کاری ادامه یافت.

کارگران بعد از چند روز، پی بردند وعده و وعید مسئولین تنها برای کشتن وقت است. از همین رومجددا در روز دوم مردادماه تولید را به طور کامل خواباندند. در صحن کارخانه جمع شدند و این بار علاوه بر طرح خواسته های قبلی خواهان اخراج مدیرعامل و چند تن دیگر از مسئولین ضد کارگران کارخانه نیز گردیدند. به دنبال تجمع کارگران، هریک از کارکنان سرکوبگر نیروهای راه سمت کارخانه گسیل داشت. هراس مسئولین از تجمع پرخروش کارگران به حدی بود که به یک ارگان سرکوب بسنده نکردند. پاسداران، کمیته بنیاد مستضعفان، شهریان و همعترز همه در خیامان دادستانی اوین پیسه سرپرستی معاون لاجوردی جلاد همگی به کارخانه سرازیر شدند تا از کارگران زهرچشم بگیرند. رهبری عملیات برعهده معاون لاجوردی بود.

او کوشید با حرفهای خود کارگران را رام و بکند ولی نتیجه ای نگرفت. کارگران خطاب به او گفتند: "ما کارگران انقلاب کردیم، اما لاجوردی به مقام و منصب رسید و حالا تا کسی حق خود را می خواهد کمیته اشرار می فرستد تا خون راه بیندازد." صحبت های یک آخوند مزدور که حق بهره روری را شایسته "خبران" می دانست نیز راه به جایی نبرد. و وقتی عوامفریبی و ارباب موثر واقع نشد، معاون لاجوردی که لحظه به لحظه با مقامات بالا در تماس بود فرمان حمله را صادر کرد.

ابتدا برای متفرق ساختن کارگران گاز اشک آور پرتاب شد و بعد سلاح های آتشین به کار افتاد. پاسداران مستقیما به سمت کارگران نشانه روی کرده و به روی آنها رگبار بستند. از آنجایی که تعداد زیادی از کارگران دستگیر شده اند و حتی مجروحین را مستقیما از بیمارستان روانه زندان کرده اند، از تعداد دقیق زخمی ها و کشته شده ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

اعتصاب کارگران قهرمان "کانادادرای"

بمخون کشیده شد. این بار اول نیست که رژیم با سلاح آتشین در برابر زحمتهای کارگران خیانت به آرمانهای انقلاب را در و روی آشکارا خلق را به دنبال می آورد و خائنین در یخورد با مقام و زحمتهای کینه حیوانیشان نسبت به خلق و انقلاب را با آتش سلاح بر روز می دهند.

این بار نیز چنین شد. تا کارگران "کانادادرای" که همچون بقیه زحمتهایان، به تجربه دروغ بودن وعده ها و حرفهای رژیم و مستولان ریزو درشت آزار یافته اند، با دروغ فریفته نشوند و برخواسته های خود پافشاری کردند، پاسداران ارتجاع به سوی آنها آتش گشودند. ما جزا را زین قرار است:

کارخانه "کانادادرای" متعلق به شرکت "ساسان" است که زیر نظر بنیاد مستضعفان اداره می شود. گروه صنایع غذایی بنیاد شامل حدود ۲۶ کارخانه است که سرپرستی آن برعهده شخصی به نام قاعدی گذاشته شده است. قاعدی همچون دیگر سرپرستان کارخانه های بنیاد که عدالت از اعضا ی حزب جمهوری اسلامی هستند، عنصری است مرتجع و به شدت کارگرسنیز و بر اساس همین بینش است که فردی چون خود را در سمت مدیرعامل شرکت ساسان و بقیه کارخانه های گروه صنایع غذایی بنیاد گذاشته است. در طبقه سوم ساختمان بنیاد واقع در بولوار کشاورز دادستانی این نهاد مستقر شده است که وظیفه اصلی آن سرکوب حرکات کارگری است.

شرکت ساسان و شعبات آن حدود ۴۰۰ کارگر و کارمند دارد. کارخانه اصلی این شرکت در کیلومتر ه جاده کرج واقع است. در حال حاضر از شعبه دیگر این شرکت به عنوان مرکز توزیع استفاده می شود. کارگران شرکت با کوچکترین بهانه ای مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، مثلا اگر حتی شیشه نوشابه در مغازه شکستگی پیدا کند، به پای آنها نوشته می شود. در ۲۸ تیرماه کارگران کارخانه "کانادادرای"

در اعتراض به اخلاقیهای مدیریت در زمینه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز برای دریافت حق بهره روری، دست از کار کشیدند و در صحن کارخانه جمع شدند. زمره اعتصاب از چند روز قبل در کارخانه پیچیده بودند در حین تجمع کارگران، رانندگان بخش توزیع شرکت نیز کامیونهای خود را در صف طویل و چشمگیری در جلوی کارخانه پارک کردند. خبر اعتصاب به فوریت در همه جا و به ویژه در کارخانه های مجاور

گزارشهای اولیه حاکی از آن است که ۴۶ نفر زخمی و ۴ نفر کشته شده اند. کینه پاسداران به کارگران حتی در بیمارستان نیز تجلی داشت. کارگر مجروحی که بر روی تخت بیمارستان شماره ۲ جاد مقدم کرج نیز به افشاکاری های خود ادامه می داد، مورد یورش پاسداران واقع شد. هتفکمیته چی به شدت او را مضروب ساختند و در حالی که غرق در خون بود در جلوی چشمان بهت زده پزشکان و پرستاران در حالی که پای او را گرفته بودند، وی را به روی زمین کشیده و تادم در بیمارستان بردند و در ماشین سپاه انداختند.

مبارزه دلیرانه کارگران کارخانه "کانادادرای" و جنایت هولناک مزدوران رژیم انعکاس وسیعی در میان بقیه کارگران و همه مردم یافته است. کارگران به حق این جنایت را با سرکوب کارگران کارخانه جهان جیت کرب در زمان شاه معدوم، مقایسه می کنند. به دنبال سرکوب خونین کارگران "کانادادرای" موجی از ابراز همبستگی در میان کارگران کارخانه های مختلف بویژه کارخانه های واقع در جاد فکرج به راه افتاد. فضای برخی از کارخانه های مجاور از جمله "شیشه و گاز" کاملا متشنج شد. کارگران می گفتند: "برای جمهوری اسلامی فقط همین مانده بود که به روی رقایما آتش بکشاید. خوب بدستان را رو کردند. از حالا باید انتظار جنایاتی بدتر از زمان شاه را داشته باشیم." بلافاصله بعد از به خون کشیده شدن اعتصاب قهرمانانه کارگران "کانادادرای" اعلامیه زیراسوی بخش مربوطه سازمان ما انتشار یافت:

**سرکوب خونین کارگران مبارز کارخانه ساسان، بار دیگر
برده از جاده حاکمیت کارگر سبز جمهوری اسلامی بر
می دارد**

هم میهنان زحمتهای در حالیکه حکومت جمهوری اسلامی راه را برای زباند و زی سرمایه داران و فئودالها باز می کند، در حالیکه تجار بزرگ بازار به همت حامیان حکومتی خود در خون مردم زحمتهای می کند، در حالیکه جنگ، این غریب خون آشام، جان کارگران و زحمتهایان و جوانان آنها را نشانه می گیرد، در حالیکه گرانی برای مردم غیر قابل تحمل گشته و چون دشته به سینه زحمتهایان فرو می رود، در حالیکه بیکاری و اخراج حکم مرگ برای زحمتهایان را پیدا کرده است، در حالیکه پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی امر عادی روزمره حاکمیت گشته رژیم تلاش دارد بازو سر نیزه و نیرنگ حقوق کارگران و زحمتهایان را پایمال کند. حکومت بجای بقیه در صفحه ۷

۱۷ شهریور، روزی که پایداری خلق، مهرنگ ابدی بر رژیم ستمشاهی زد



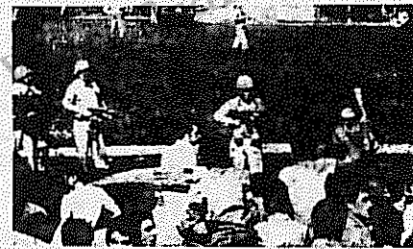
طلو له رفتند تا میهنشان روی استوار و عدالت اجتماعی را به خود ببینند، کام جمهوری اسلامی سیاستهای ضد ملی، آزادی ستیز سرکوب گرانه خود را به مردم تحمیل کرده و حاکمیت همان طبقات استشارگری را که رژیم شاه مدافع آنها بود، استمرار می بخشید.

شش سال پس از «جمعه خونین» یادآوری آن رویداد و بزرگداشت آن تنها به تجدید عهد در مبارزه با ظواهر اعدا ف انقلابی ای که پایمال دیکتاتوری جدید شده است، محدود نمی گردد. گرامیداشت ۱۷ شهریور، از آن جهت نیز جایز اهمیت است که فراموش نکنیم شاه و شاهپرستان در آن روز با مردم چه کردند. امروز، سیاهکاریهای حکومت روحانیون به بقایای رژیم ستم شاهی امکان و فرصت داده است تا با وقاحت تمام، برای بازگشت به قدرت تبلیغ کنند. آنها که اینک عوامفریبانه دم از آزادخواهی و دموکراسی می زنند، همانهایی هستند که برای کشتن آزادی، در ۱۷ شهریور ۱۷ شهریورها، دستان خود را تا مرق به خون مردم آلوده کردند. نباید گذاشت جنایات ارتجاع حاکم، که در بسیاری ابعاد رتاریخ کشور ماکم نظیر است، از سوی قطب دیگر ارتجاع بقاب تظہیری بروی دستان بقایای شاه تبدیل شود. یاد آوری ۱۷ شهریور، در خدمت این هدف است. ۱۷ شهریور، داغ ننگ ابدی ای است که خلق بر چهره رژیم سلطنتی زده است. این مهر ننگ، با هیچ چیز پاک نمی شود.

افسریه و کارگران مبارز دخیانت، این بار هم به جای پاسخ گویی به این ابتدایی ترین خواسته کارگران، آنها را به رگبار می بندند که با کمال تأسف، در این حله ناجوانمردانه تعدادی از کارگران مبارز کشته و زخمی می شوند و تعدادی هم به بند کشیده می شود.

کارگران و زحمتکشان مبارز ایران است تا ضمن حمایت یکپارچه خود از خواسته های کارگران ساسان، یک صدا سرکوب خونین کارگران را افشا و محکوم کنند. در دربار کارگران مبارز شرکت ساسان، پیروز باد اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران! مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا!

جنش، در ۱۷ شهریور، سوله تفنگ برخی از سربازان گسیل شده برای کشتار مردم، برگشت و به جای صف تظاهرات، دهان افسران مزدوری را که فرمان "آتش" می دادند نشانه رفت. و این، آغاز شکاف عمیقی بود در ارتش شاه. شکافی که نقش عمده ای در تسریع سقوط دیکتاتور داشت. اینکه حماسه پایداری خلق در ۱۷ شهریور، او حماسه های پس از آن در ۱۳ آبان، ۸ بهمن، و بالاخره ۲۱ و ۲۲ بهمن، هم اکنون رژیم سی رابه جلی رژیم ستم شاهی نشانده است که پس از گذشت شش سال، به همه آن شعارهایی که با خون به دیوارها نگاشته شده پشت کرده، ذره ای از عظمت و شکوه آن پایداریها نمی کاهد. مرتجعینی که اینک بر مسند قدرت تکیه زده اند، میوه چنین انقلابی را ندارند. صاحبان آن ۱۷ شهریور و روزهای نظیر آن، همانقدر که مهرنگ ابدی بر حین رژیم سلطنتی است، به گونه ای دیگر بازگو کننده عقی جنایتی که سران حکومت برخاسته از انقلاب، در حق آنهمه خونهای ریخته شده، و گلہای پر برشته رواداشتند، نیز هست. در حالی که توده های مردم، در ۱۷ شهریور، جلوی



سلطنت طلبانی
که اینک عوامفریبانه با استفاده از جنایات
حکام جمهوری اسلامی، دم از آزادخواهی
و دموکراسی می زنند همانهایی هستند که
برای کشتن آزادی، در ۱۷ شهریور و ۱۷ شهریورها،
دستان خود را تا مرق به خون مردم آلوده کردند

به میهن می شود (بخوان دعوت به چپال مردم) در همان حال کارگران و زحمتکشان مبارز، این ستونهای واقعی انقلاب، به گلوله بسته شده و به بند کشیده می شوند. به همین ترتیب، کارگران شرکت ساسان با خطر اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و بی پاسخ ماندن این خواسته از طرف مدیریت، کارگران ساسان در روز سه شنبه ۶۳/۵/۲ به عنوان اعتراض دست به اعتصاب می زنند تا بدین وسیله صدای حق طلبانه خود را به گوش مسئولین حکومتی برسانند. به امید اینکه شاید مسئولین کوشی برای شنیدن داشته و به این خواسته آنها پاسخ مثبت دهند. اما حکومت بهمانند رفتار و حشیانه خود در مورد اعتراض زحمتکشان

شش سال از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، «جمعه سیاه»، «جمعه خونین»، «روز ننگ شاه» گذشت.

در تاریخ بسیاری از انقلابات، مقطعی وجود دارد که رژیم سرکوبگر حاکم، با درخت خود دیدن تمامی موجودیت خود، همه پرده های ریا و عوامفریبی را کنار می زند، و با قهر ضد انقلابی تمام عیار، به مصاف اراده مردم می رود. بدون تردید، این مقطع، در انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، ۱۷ شهریور است.

«جمعه خونین» افشاگر همه دروغ پردازیهای شاه و عوامفریبان به اصطلاح «فضای باز سیاسی»، «آشتی ملی» و... بود. در این روز، دیکتاتور که می دید ژستهای عوامفریبانه ای از قبیل انحلال حزب «فراگیر»، بازگرداندن تاریخ هجری، دادن علم «مبارزه با فساد» به دست شریف امامی فاسد و چشمک زدن به «آیات عظام» در برابر عقی و وسعت جنبش رنگ می یابد، ماشین سرکوب خود را با تمام قوا به کار انداخت تا انقلاب مردم را در خون خفه کند. نظرموافق دولت آمریکا با این جنایت، درست در آستانه ۱۷ شهریور، از طریق زاهدی سفیر شاه در واشنگتن که به تهران آمده بود، به اطلاع وی رسید. این یک روی سکه و یک جنبه از رویداد تاریخی ۱۷ شهریور بود.

اماری دیگر سکه، و جنبه حماسی این رویداد، پایداری عظیم خلق در برابر دیکتاتور، تا دندان مسلح است. بارزترین نمادهای ایثار و شجاعت توده هادر جریان انقلاب، همان سینه های سپر شده در برابر رگبار گلوله های آتشین مزدوران و مشتهای گرو کرده در مقابل صف مسلسل به دستان اجیر شده است. خلق، در جمعه خونین براسی نشان داد که «توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد». بازنده اصلی میدان نبرد در ۱۷ شهریور، شاه، و پیروزی، از آن انقلاب بود. برای نخستین بار در جریان

سرکوب ... بقیه از صفحه ۶
پاسخگویی به ابتدایی ترین خواسته های کارگران و زحمتکشان با کشتار و دستگیری و اخراج و شلاق و تعزیر به آنها پاسخ می گوید. بسیاری حکومت جزاین هم راهی نیست. یا بایست طرفدار سرمایه داران و قو دالها باشد یا حامی مستضعفان. یا باید شتابان دست به سوسی امپریالیسم و سرمایه داران و تجار بزرگ بازار دراز کند، یا با زوان مردم شریف و مبارزان راه مبارزه با امپریالیسم و حامیان او بفشارد. دیگر هیچیک از مرد هم از و شریف به این سخن ریاکارانه و پوچ حکومت که گویای توان هم طرفدار سرمایه داران بزرگ و هم طرفدار کارگران و زحمتکشان، باور ندارند. مردم به عینه می بینند در حالیکه سرمایه داران بزرگ و قو دالهای فراری دعوت

در حاشیه



از این پس در مباحث اقتصادی باید به اندازه گلیم هر کس دراز شود*

"در صحنه اقتصادی کشور، صف بندی صورت دیگری دارد که حالت تقابل حق و باطل را کمتر تداعی می کند. الان دیگر در صحنه اقتصادی از مخالفین سابق خبری نیست. ... ظرافت دیگر مباحث اقتصادی بخاطر تاثیر احکام شرعی در آنهاست. ... این شاید یکی از مواردی باشد که ورود به بحثهای اقتصادی را حساستر از بحثهای سیاسی و اجتماعی مینماید. از این پس هر کسی با ربا پندانه، گلیمش دراز و باندازه دانسته های خود قصاصت کند و در غیر این صورت نه تنها خود به بیراهه میرود، بلکه دیگران را نیز گمراه می کند." (جمهوری اسلامی - ۴ شهریور)

"بنابر این مدارس آرامنه تعطیل می شود"

یک "مقام آگاه" در وزارت آموزش و پرورش: "اقلیت ارمنی کتاب تعلیمات دینی به زبان فارسی تدوین کتاب دینی بزیان فارسی و امتحان بزیان فارسی را امسال نپذیرفتند و اعلام کردند که این کار مغایر با مسائل مذهبی آنهاست و بیه"

حرکاتی دست زدند که ناچار شدیم تعدادی از مدارس آرامنه را تعطیل کنیم. ... آنها می گویند که این سئوالات خلاف مذهب و مکتب ماست. ... بنا بر این نه تنها امتحان دیگری برای این افراد انجام نخواهد شد و نمره صفر برای آنها منظور میشود، بلکه از بازگشایی این قبیل مدارس در سال تحصیلی آینده نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد." (کیهان ۲۵ مرداد)

چهره رژیم در خارج از کشور

عباس فر نماینده مجلس:

"در خارج از کشور در ملاقات با افراد حس می کردم تعجب میکنند که چگونه با آنها حرف میزنیم یا میخندیم و تصور میکردند خوشنیت جزو ذات ما است." (کیهان ۲۷ مرداد)

دستاوردهای رژیم برای نسل اول انقلاب

آیتالله جنشی امام جمعه قم:

"نسل اول انقلاب باید انتظار بد نهایی سوراخ سوراخ، محرومیتها، آوارگیها، کمبودها تلخیها و ناکامیها را داشته باشد." (کیهان ۲۷ مرداد)

"نماز جمعه کربلا به امامت روح خدا، استراتژی انقلاب!"

موسوی نماینده مجلس:

"مسأله دوم که بایستی مطرح گردد موضوع جنگ است که مهمترین و عده ترین مسأله است و متأسفانه رفت و آمدهای تهای سیاسی و بعضی صحبتها و سخنرانیها این موضوع که سرنوشت"

کشور و انقلاب ما بدان بسته است را گاهی از اهمیت خاص خود پائین می آورد و نوعی جو کاذب صلح طلبی و آرامش جوشی خدای نکرده در مردم ایجاد می کند و من از محضر مقدس حضرت امام و عموم مسئولان محترم و بزرگان مملکت و از شما برادران و خواهران نماینده تقاضا دارم که مسأله جنگ را بصورت جدی مطرح، تاخدای نکرده مروجیه جنگ، و سلحشوری مردم فرکشان کنند. من از اینکه مسأله صلح و بعضی رفت و آمدها و اینکه مدتی است که حملای شروع نشده، نگران این هستم که مردم جنگ را از اولویت خاص خود پائین بینمایند، و از اینکه خدای نکرده حالت رقابته و راحت طلبی موجب سست شدن جبههها گردد. وقتی صحبت از صلح و بعضی مطالب میگردد خدای نکرده ممکن است این حالت پیش بیاید که آن جوان رزمنده و فداکار ما بگوید خوب حالا که دارد صلح میشود و موضوع جنگ کم اهمیت شده چرا بروم ماهها در هوای کسرم در سنگرهای داغ جبهه بنایم. ما نیابستی بگذاریم آن شعارهای اولیه و اصلی ما مثل "نماز جمعه کربلا، به امامت روح خدا" لحظهای فراموش شود. شعار نماز در قدس و شعار از کربلا بگذریم و بقدر بروم تنها شعار لفظی نیست، سیاست جنگ ما را بلکه اثراتی انقلاب را تعیین می کند این یک هدف نهایی و انسانی و اصلی است." (کیهان ۲۷ مرداد)

"بیکاران مثل سیل سرازیر می شوند"

صفوی نماینده مجلس:

روز بروز وضع بیکاری در استان کربلا بیشتر می شود. هر روز که ما مراجعه میکنیم به حوزه انتخابیه بیکاران مانند سیل سرازیر می شوند." (کیهان ۲۷ مرداد)

دست اندرکاران ورزش و حتی خود عوامل رژیم نیز اذعان دارند که این عرصه دچار بحران و رکود و بن بست گشته است. آش به قدری شور شده که نشریات مجاز نیز گاه و بی گاه برایشان نکته اشاره می کنند. کاریکاتورهایی که در این صفحہ ملاحظه می کنید از یک مجله مجاز ورزشی (کیهان ورزشی) انتخاب شده اند. این کاریکاتورها بازمان طرز به حالت احتضار ورزش و تاح و تاز باند های مرتجع در این عرصه، اشاره دارند.

برای اعزام تیم کشتی به مسابقات بین المللی یوگسلاوی هر کس زور بیشتر بود و دوستی داشت خود را در ترکیب تیم جا داد.



ایشان را بشما معرفی می کنم، باینکه کشتی گیر نیست اما زور زیاد است و در ضمن یکی از نزدیکان ماست.

ورزش ایران، بیماری در حال احتضار

محدود و درید اختیار مرتجعین است. فدراسیونها و باشگاههای سرشناس دچار باند بازی و فساد بی نظیری گشته اند، مربیان و مدیران این مجامع همه منصوبین باند مرتجع حاکم بر حیات ورزش کشورند. ورزش برای زنان عملاً ممنوع گشته است و طبیعتاً در این میان از ورزش در بعد توده های و گسترده اش مطلقاً نمی توان سخنی گفت.

سرکوب و اختناق سیاسی تسادرون باشگاهها و مجامع ورزشی کوچک نیز گسترش یافته است. بسیاری از نامداران ورزش ایران به دلیل تن دادن به نیت ارتجاع و بیگارودن به سازمانهای پیشرو، یا اعدام گشته اند یا در گوشه زندانند و یا از کشور گریخته اند. برخی نیز تاب تحمل فضای حاکم بر این عرصه را نیاورده و ورزش را کنار گذاشته اند. ارگانهای سرکوب ارتجاع حتی تیمهای ورزشی محلی را نیز مورد تاخت و تاز قرار داده اند. اجتماع تعدادی جوان و نوجوان در یک زمین خاکی نیز ارتجاع را به وحشت می افکند. دیگر کار به جایی رسیده است که همه



دکتر - خوب گفتین چه تونه؟
ورزش - دکتر چون یک چند وقتیه احساس میکنم عموماً دارم به آخر میرسه!!

هیچ عرصه ای در حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ما از تعرض مرتجعین حاکم، مصون نمانده است. بحران و فساد بر همه عرصه ها غلبه کرده و جامعه را به صورت بیعاری در حال نزاع آورده است. عرصه پر اهمیت ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. مدت هاست که ورزشکاران ایرانی یا در بازیهایی بین المللی شرکت نمی جویند و یا این که با ناکامی به کشور باز می گردند، امکانات ورزشی فوق العاده

“طرح سالم سازی دریا” تجلی انحطاط فکری و اخلاقی

از سواحل مازنداران طرح “جداسازی” یسار اجرا شده و یا برای اجرا در نظر گرفته شده است. هزینه دیوار کشی در هر واحد يك میلیون تومان ذکر شده است. بر اساس این طرح در هر واحد سه منطقه شنا وجود خواهد داشت: “منطقه شنای برادران”، منطقه ممنوعه و منطقه شنسای خواهران” و “برادران انتظامات را باید ببینند مسافرن دو قسمت با یکدیگر هستند.” و “شنا در کلیه سواحل جز مناطق مزبور ممنوع است و جهت اعمال این امر بیش از همه نیروهای مردمی و حزب الهی شوراهای اسلامی روستایی، انجمنهای اسلامی، داوطلبان مدارس شهرهای شمال استفاده می شود. برای اجرای بهتر این طرح، واصله شده تا در تایستان گشت جندالله ژاندارمری در بین راهها افزایش یافته و نیروهای انتظامی شهرهای ساحلی نیز در فصل شتیا تقویت شود.” و “از آنجا که تجربه سالهای قبل نشان داده اکثر متسلفین مسافرنی هستند که مدت کوتاهی در منطقه هستند لذا سرعت عمل دادگاهها جهت رسیدگی به جرائم و صدور احکام مقتضی از اهمیت خاصی برخوردار است تشکیل دادگاههای سیار در سواحل دریامیتواند تا حد زیادی زیاده واصله فوق را برآورد سازد.”

“شهرهایی که طرح جداسازی در آنها به اجرا درآمده عبارتند از خزرآباد ساری، جوببار، بایلسر، علفده، نور، فریدونکنار، سی سگان، نوسر سلمانشهر، عباس آباد، کلاآباد، کتلم، تنکابن و رامسر” (کلیه نقل قولها از کیهان ۴ شهریور)

سردمداران خائن جمهوری اسلامی بجای پرداختن به خواسته های اساسی مردم، بیشترین هم خود را مصروف این می دارند که مردم را به تبعیت از هنجارهای قرون وسطایی خود وادارند و در این راستا ممنوع کردن شنا در مناطق وسیعی از ساحل تحمیل طرز تفکر و اخلاقیات منحط، جلوكیگری از تفریح و شادی مردم با جداسازی اعضای خانواده از همدیگر، ایجاد دادگاههای سیار و گشت جندالله ژاندارمری و ... همه و همه تجلی آمیزه های از اندیشه ارتجاعی، اخلاقیات منحط و نعدیت با نشاط و شادمانی است که قبل از هر چیز سند رسوایی طراحان و مجریان آن است.

هموطنان غمده و گرماده مان در گریز از خفقان حاکم بر مدیتهای کسالت بار شهرها و نیز خفقان ناشی از دود و گرد و غبار، هزاران هزار به شهرهای کاره دریای خزر هجوم آوردند ولی تابستان امسال نیز اما شدیدتر در سواحل عرصه تاحت و تاز و تجلی اندیشه های منحط و عقب مانده گشت. اندیشه پردازان و سردمداران جمهوری اسلامی همچون فرویدیسیم اما بسا پوشش ضخیم مذهبی - از راه جنسی به روان انسانی، جامعه و روابط اجتماعی می نگرند و به تحلیل آن می پردازند. اما از آنجا که اینان بر سر یر قدرتند مسئله در حد نظری نمانده و ابعاد عملی بخود میگرد. مبنای بسیاری از اقدامات دست اندرکاران چ ۱۰ را همین نگرش منحط تشکیل می دهد.

اینان عملا و در درجه اول تلقی دیگری از محیطهای متلف اجتماعی دارند. برای آنها و با “قیاس به نفس” کلاسهای درس دانشگاهها ادارات، سالنهای غذاخوری، دریا و ... قبل از آنکه تجمعی برای هدف معین - آموزش، کار، ورزش و ... باشد تجمعی است از زنان و مردانی که برای همدیگر جنگ و دندان تیسز کرده اند و لاجرم باید با چوب و برزنت و چادر چاقچور و بتون آنها را از هم جدا ساخت و این در حالی است که به انواع و اقسام انحرافات و انحطاطهای اخلاقی و فسادهای اجتماعی، بویژه فحشاء، رسمیت شرعی و قانونی بخشیده اند. این تفکر منحط و ارتجاعی زمانی که با ضدیت بنیادین دست اندکاران چ ۱۰ با هر نوع شادی و تفریح عموم مردم، می آمیزد نتیجه ای چون “طرح سالم سازی دریا” را به بار می آورد. هدف از طرح مزبور که در برخی مناطق ساحلی مازنداران به اجرا درآمده است، از طرف استاندار مازنداران اینگونه بیان شده است:

“جلوكیگری از ایجاد و اشاعه فساد، فحشاء، منکرات، قاچاق، ماریوات الکلی و مواد مخدر در شهرهای ساحلی و کناره دریا از یک مسو و جایگزینی استفاده شاکرانه از مواهب طبیعی و تعالی و ایجاد تفریحات سالم جهت پرکردن اوقات فراغت مجزباله ... بالاخره استفاده طبیعی از دریا به عنوان پایگاهی جهت گسترش فرهنگ اسلامی و تعمیق روح دینی” در ۲۰ نقطه

دوره شور اتمام شد!

شوراهای کارگری از دل انقلاب بیرون آمدند. کارگران با ایجاد شوراهای نیروی خود رایگانه کردند تا انقلاب را پس دارند و آنرا در سمت دستیابی به عدالت اجتماعی به پیش ببرند. شوراهای سازشکاران و دشمنان انقلاب چون خاری در چشم بود. برای تخریب یسار مسخ آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. دشمنی آشکارو لگام گسیخته احمد توکلی، وزیر کار جمهوری اسلامی، با شوراهای دیگر تشکلهای کارگری نمونه ای از آن بود. او با اینکه بسیاری از شوراهای را منحل کرد، بالاخره نتوانست همه آنان را از میان بردارد. شورای کارگران کارخانه جنرال صنعتی از جمله آنها بود. این شوراکه در سال ۵۸ تشکیل شده بود، نمایندگان برگزیده کارگران را در خود داشت و موفق به دستیابی به برخی از مطالبات کارگران شده بود. برخلاف اتهامات و افتراهای دشمنان طبقه کارگر که حضور شوراهای را باعث افت تولید و انمسود می کردند، عملکرد مسئولان این شورای باعث افزایش تولیدات کارخانه نیز شده بود. اما مدیریت کارخانه و مسئولان وزارت کار هیچگاه از دشمنی با شورای کارگران این کارخانه دست نکشیدند. پس از افشا و طرد توکلی نیز فشار بر این شورا همچنان ادامه یافت. تا بالاخره چند ماه قبل در اوایل سال گذشته، تحت فشار مداوم و مشترک مدیریت، انجمن اسلامی و نیروهای انتظامی اعضای شورا را ناچار به استعفا می شوند. مدیریت راه انتخاب نمایندگان تازه ای را برای شورا، سدی می کند. به این ترتیب عملا شورا منحل می شود و تاراهی برای مبارزه متحد کارگران باقی نماند. اما دینی آن کارگران، یکی از اعضای سابق شورای را به نمایندگی برمی گیرند تا برای دستیابی به خواسته هایشان از قبیل حقوق اضافه تولید، عیدی و ... با مسئولین کارخانه مذاکره کند. مراتب در طوماری درج و به اعضای همه کارگران می رسد. آنها با دادن طومار به مدیریت کارخانه، او را برای بررسی امر، به شرکت در جلسه ای مشترک فرامی خوانند. مدیریت ضمن مخالفت با خواسته های کارگران، از شرکت در جلسه نیز سر باز می زند. کارگران در محوطه کارخانه اجتماع کرده و ضمن دادن شعارهایی، خواسته هایشان را تکرار می کنند. پیگیری آنان، مسئولین کارخانه را به شرکت در جلسه وادار می کند. در این جلسه کارگران علاوه بر خواسته های مندرج در طومار، تشکیل مجدد شورا هم خواستار می شوند. مدیریت بویژه با این خواسته مخالفت میکند و میگوید:

“دوره شور دیگری تمام شد.” یکی از کارگران پاسخ می دهد. “هر قانونی که شورا را منحل کند، قانون سرمایه داران و مدیران است.” پاسخ این کارگر، مورد تایید یکپارچه دیگر کارگران واقع می شود. با اینکه در این جلسه مسئولان کارخانه به خواسته های کارگران تن نمی دهند

در پاسخ این اقدام، مدیریت کارخانه برخورد از پشتیبانی وزارت کار، اخیرا نماینده کارگران را با اتهام ایراد افترا و اخلاکری اخراج می کند. اینک بر مطالبات کارگران بازگشت نمایند ماخراجی نیز افزوده شده است. با اینکه در پی آن، فشار بر کارگران از طریق تهدید مداوم به اخراج افزایش یافته است، کارگران کارخانه جنرال صنعتی مصممند، با قاطعیت همه مطالبات خود را دنبال کنند.

اما کارگران در اسفند ماه بالاخره موفق می شوند آنان را به تسلیم در برابر بخشی از مطالبات خود از قبیل حق اضافه تولید، پرداخت و ... وادارند. اما برخلاف تصور انتظار مدیریت، از دیگر خواسته های خود دست نمی کشند. نماینده منتخب شان از سوی آنها، مسایل را بی می گیرند از جمله با ارسال نامه هایی برای مسئولین دولتی، مطالبات کارگران را طرح و ضمن آن وضعیت مدیریت کارخانه را نیز افشا می کند.

به مناسبت یازدهمین سالگرد کودتای آمریکایی پینوشه در شیلی

سالوادور آلنده: تاریخ از آن ماست!



من مطمئنم بذری را که ما در وجودمان
و آگاهی شایسته هزارها هزار مردم شیلیایی
کاشته ایم، نمیتوان ریشه کن کرد. آنها قدرت
دارند، آنها میتوانند ما را برزبر یوغ خود درآورند،
ولی با جنایت و اعمال قهر نمیتوان از سیر تکامل
اجتماع جلوگیری کرد. تاریخ از آن ماست و
صفحات آنرا خلق ها مینگارند.
زحمتکشان میهن من!

من به مناسبت انبرافاداری دائمی شما،
از اعتقادی که شما نسبت به مردی که تجسم اشتیاق
نسبت بعدالت بود، مردی که قول داد به قانون
اساسی و قوانین دیگر احترام بگذارد، و این
کار را تمام کرد، از شما تشکر میکنم. در این
لحظه تاریخی، در این آخرین لحظاتی که
من میتوانم با شما سخن گویم، باشد که این درس
برای شما آموزنده باشد: سرمایه خارجی،
امپریالیسم، در پیوند با ارتجاع داخلی چنان
محیی بوجد آوردند تا نیروهای نظامی بتوانند
سنتی را که ژنرال شما در ره آنها آموخت و
سروان آرایا آنرا تعقیب کرد، بشکنند. این
دو نفر هم قربانی همان بخشی از اجتماع شدند
که امروز در کمین است با کمک خارجی قدرت
از دست رفته را باز بگیرد تا بهتر بتواند از
دارائی و امتیازات خود دفاع کند.

من بهرزه به زنهای ساده کشور شما،
به زن دهقان که به ما اعتقاد داشت، به زن
کارگر که پیش از پیش کار کرد، به مادری که
از دلسوزی ما نسبت به کودکان آگاه بود، رویکنم.
من به نمایندگان روشنفکران علمی و فنی کشور ما
و به افراد میهن پرست میان آنها روی میآورم که
از روزها پیش علیه خرابکاری اتحادیه های
مشاغل مبارزه کردند، همان اتحادیه های
که تنها از امتیازاتی که جامعه سرمایه داری به
عهده معدودی عطا میکند، دفاع میکنند.
من به جوانان رویکنم، به آنهایی که
ترانه میخوانند و با شور و شوق و روح پیکارجو
کار میکنند. من به مردان شیلی، به کارگران،
دهقانان، روشنفکران، به کسانی که تحت تعقیب
قرار خواهند گرفت، رویکنم و میگویم: از ساعتها
پیش فاشیسم در کشور ما با ترور، با انفجار، پلها،

۱۱ سپتامبر مصادف است با یازدهمین سالگرد
کودتای نظامی در شیلی و سرنگونی حکومت
مترقی دکتر سالوادور آلنده. در این روز فراموش
خائن ارتش و در رأس آنها اگوستینو پینوشه
توطئه پلیدی را که توسط امپریالیسم آمریکایی
سازمان جبهه سیاه و با نظارت شخص کیسنجر،
طرح ریزی شده بود به موقع اجرا گذاردند.
آنچه که در زیر می آوریم، آخرین
سخنرانی آلنده است، آن هنگام که کاخ ریاست
جمهوری در محاصره مزدوران سیاه بود. آخرین
کلماتی که از دهان آلنده خارج شد، همچنان
در شیلی طنین افکن است. صدای چکمه
دژخیمانی که پینوشه در رأس آنها نشسته است،
هرگز نتوانست این صدا را خاموش سازد. پرچم
رزم برافراشته است و زحمتکشان شیلی در حالی
که به افق روشن آینده چشم دوخته اند، پیش
می تازند. همچنان که آلنده گفت تاریخ از آن
آنهاست. پیروزی نهایی نزدیک است.

هم میهنان!

با احتمال قوی این آخرین فرصتی است که من
میتوانم با شما سخن گویم. نیروی هوایی برجهای
فرستنده رادیوهای "پورتالس" و کوپراسیون را
بمباران کرده است. سخنان من حاوی اندوه
نیست، ولی حاکی از تأسف است. سخنان من
برای کسانی که به سوگند خود خیانت کردند،
یک کیفر اخلاقی است.
سربازان شیلی!

در سالار مرینو، که خود خویش را بعنوان
سرفرونده منصوب کرده، و آقای مندوزا، این
ژنرال فرومایه که تا همین دیروز وفاداری و اخلاص
خویش را به دولت ابراز میداشت. اینها
هستند سوگند شکنان! بنا بر این واقعیات برای
من کار دیگری باقی نماند. بجز آنکه در مقابل
زحمتکشان یکبار دیگر تاکید کنم:

من استعفا میدهم!

من در یک مرحله گذار تاریخی، به
وفاداری خلق با ایتار جان خویش پاسخ میدهم
و به شما میگویم:

اعلامیه احزاب و سازمانهای مترقی در برلن غربی

متجاوزین و جنایتکاران "مورد انتقاد قرار گرفته"
و از جمله، از فعالیت تبلیغاتی دیکتاتوری ترکیه
تحت حمایت "سنا" (دولت محلی) برلن غربی،
دعوت "لومر" سناتور (وزیر) برلن غربی
از افسران پلیس السالوادوری برای "تبادل
تجربه" و پذیرایی "دیپکن" شهردار برلن
غربی از وزارت رئیس نهاد پرستان آفریقای جنوبی
یاد شده است.

اعلامیه مذکور، همچنین به تحقیر و اعمال
فشار تا حد اخراج علیه پناهندگان سیاسی اشاره

احزاب و سازمانهای مترقی در برلن غربی،
از جمله گروههای سیاسی شهروندان خارجی،
علی اعلامیه ای مردم این شهر را به حضور در
اکسیونهای مشترک این سازمانها در برابر
همبستگی با مبارزه خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای
لاتین علیه امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهگان
آن فراخواندند. در این اعلامیه، ضمن اشاره به
موارد متعدد جنایات نواستعمار علیه خلقهای
کشورهای رشد یافته و جنبشهای رهایی
بخش، همدستی مقامات برلن غربی با "سرکوبگران"

با قطع خطوط راه آهن و نابودی لوله های
نفت و گازهای خود را نشان میدهد.

در مقابل، آن کسانی که تعهد کرده
بودند علیه فاشیسم مبارزه کنند، سکوت کردند مانند
تاریخ درباره آنها قضاوت خواهد کرد.

مسلماً رادیوی "ماگالان" را خفیه
خواهند کرد تا آهنگ آرام صدای من به گوش شما
نرسد. اهمیتی ندارد. شما در آینده هم
صدای مرا خواهید شنید. من همیشه در میان
شما خواهم بود. لاقلاً خاطره من، یعنی
انسان با شرفی که به امر خدمت به خلق زحمتکش
تا آخرین نفس وفادار ماند، زنده خواهد ماند.

خلق باید از خود دفاع کند، اما نباید
خود را تریانی کند. خلق نباید در مقابل جور
و ستم سر تسلیم فرود آورد و رنج بکشد، ولی
به تحقیر و تخفیف هم نمیتواند تن در دهد.
زحمتکشان میهن من!

من به شیلی و آیند هاش اعتقاد دارم. کسان
دیگری بر این لحظات تاریک و تلخ که محصول
خیانت است، فائق خواهند آمد. دیر یا زود
شاهراه فراخی گشوده خواهد شد که در آن
انسانهای واقعی برای ایجاد جامعه ای بهتر
گام خواهند داشت. زنده باد شیلی! زنده باد
خلق! زنده باد زحمتکشان! اینست بازبین
سخنان من. من اعتقاد راسخ دارم که ایشار
جان من بی ثمر نخواهد بود. من ایمان کامل
دارم که این فداکاری، حداقل یک درس اخلاقی
خواهد بود و جبن و خیانت را کیفر خواهد داد.

کرده است.

از جمله، سازمانهای زیر اعلامیه فوق را امضا

کرده اند:
کمیته ضد فاشیستی ترکیه و کردستان ترکیه،
انجمن کارگران کرد، جبهه همبستگی شیلی،
تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (واحد برلن غربی)،
اعضای حزب کمونیست شیلی در برلن غربی،
حزب سوسیالیست متحده برلن غربی، سازمان
جوانان سوسیالیستی کارل لیبکنشت، انجمن
دانشجویان ترک برلن غربی، فداییان خلق
ایران (اکثريت)، برلن غربی، انجمن زنان
ترک برلن غربی، حزب توده ایران (واحد برلن
غربی)، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا.



رویدادهای جهان

رفیق چرنکو:

امریکائی خواهد مذاکره کند

رفیق کنستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست، و صدراعظم هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، در پاسخ به پرسش‌های روزنامه شوروی پراودا، درباره پارامی مسائل سیاسی اظهار نظر کرد.

رهبر شوروی ضمن اشاره به اینکه طراحان سیاست خارجی آمریکا همچنان تنش‌های بین‌المللی را شدت می‌بخشند، گفت درواشنگتن اینک "جنگ صلیبی" نه تنها علیه سوسیالیسم بلکه در عمل علیه تمام دنیا مطرح است. رفیق چرنکو افزود که هنوز هم در ایالات متحده آمریکا عده‌ای نمی‌خواهند به این امر عادت کنند که اتحاد شوروی اجازه نخواهد داد هیچ‌کس نسبت به آن برتری نظامی کسب کند.

دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره خاور نزدیک گفت: "رویدادهای غمانگیزی که در آنجا به وقوع می‌پیوندد، نشان می‌دهد که نه با توافق‌های جداگانه و نه به تراز آن، با مداخله نظامی می‌توان به صلح دست یافت. اوضاع این منطقه تنها از طریق تلاش‌های جمعی همه طرف‌های ذینفع قابل اصلاح اساسی است. طرح شوروی برای یک راه حل صلح آمیز در خاور نزدیک، بر این شالوده استوار است و در جهان عرب و نه تنها در آنجا حمایت‌های وسیعی برانگیخته است."

رفیق چرنکو تاکید کرد جهان طبق معیارهای آمریکایی زندگی نخواهد کرد.

رهبر اتحاد شوروی درباره مذاکرات پیرامون جلوگیری از نظامی کردن کیهان اظهار داشت دولت آمریکا خواهان حل این مسئله نیست، و از اعلام آمادگی برای مذاکرات، تنها هدف فریب افکار عمومی و انحراف افکار از برنامه‌های تسلیحاتی خود در فضا را دنبال می‌کند.

رفیق چرنکو گفت اتحاد شوروی پیشنهاد می‌نماید همزمان با شروع مذاکرات مربوط به تسلیحات فضایی، توافق درباره توقف ("موتور ترمیم") اسلحه‌های این سلاح‌ها حاصل شود.

دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره مذاکرات درباره هوشک‌های میان‌برد و استراتژیک، با اشاره به خودداری واشنگتن از شرکت در گفتگو پیرامون این مسئله به مدت یک سال، و سپس تلاش آن برای تحمیل راه حل‌های یک جانبه در جریان مذاکرات، گفت آمریکا مذاکرات را با انحراف از اصل برابری و امنیت مشترک، با شکست مواجه ساخت.

رهبر شوروی در پایان آمادگی کشور خود را برای انجام مذاکرات جدی و صادقانه درباره مسائل یاد شده، اعلام کرد.

مباران هوایی خاک لبنان توسط اسرائیل

روز سه شنبه ۶ شهریور، جنگنده‌های اسرائیلی بار دیگر بخش‌هایی از دره بقاع لبنان را بمباران کردند. این حمله هوایی، به دنبال یورش قبلی هواپیماهای جنگی صهیونیست‌ها به شهر "برالیاس" که در جوار جاده بیروت - دمشق قرار دارد، انجام گرفت. در فاصله این دو بمباران، هواپیماهای جاسوسی اسرائیل چندین باره حرم هوایی لبنان را تهاوی کرده، و از جمله، بر فراز بیروت به پرواز درآمدند.

به دنبال این تجاوزات، لبنان در شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار رسیدگی به این موضوع گردید. در شکایت لبنان، علاوه بر بمباران دره بقاع، به جنایاتی که صهیونیست‌ها علیه مردم جنوب لبنان مرتکب می‌شوند، اشاره شده است. در شورای امنیت، اتحاد شوروی، هند و چین خواهان خروج فوری اشغالگران اسرائیلی از لبنان شدند.

ترکیه: محاکمه به "جرم" امضای منشور برای آزادی‌های سیاسی

از ۲۴ مرداد، محاکمه ۵۶ نفر در آنکارا به "جرم" امضای منشوری تحت عنوان "تحقیقات و مطالبات امضاکنندگان درباره نظام دموکراسی در ترکیه" آغاز شده است. این ۵۶ نفر، که به عنوان "عزیزترین نویسنده بزرگ ترک از آن جله است"، به همراه ۱۲۰۰ نفر دیگر، این منشور را در تاریخ ۲۵ اردیبهشت امسال انتشار دادند. در این منشور، "وضعیت نظام دموکراسی در ترکیه" مورد بررسی انتقادی قرار گرفته است. در این سند، به محدودیت حقوق دموکراتیک و سیاسی نظیر حق دموکراتیک داشتن عقیده واضح، مبارزه آزادانه آن، حق فعالیت آزاد علمی، و نیز به وجود شکنجه در زندان‌ها و نقص‌های قضایی و حقوقی، اشاره شده است. امضاکنندگان منشور، خواهان آن گشته‌اند که "همه مقررات و اعمالی که مغایر با نفس دموکراسی است، از طریق دموکراتیک ملغی گردد". این منشور در سطح بین‌المللی از سوی ۲۰۰۰ شخصیت اجتماعی در اروپای غربی و آمریکا مورد حمایت قرار گرفته است.

ژنرال اوره، رئیس جمهور ترکیه، در رابطه با این منشور گفت: "دشمنان خارجی می‌خواهند در آزادی‌ها دستخیز کنند. ما افزودیم دشمنان قصد دارند آرامش و ثباتی را که ما ایجاد کرده‌ایم، از بین ببرند."

البته، از این اتهام - به اصطلاح "خیانت" - در کفرخواست دادستان ذکر نرفته است. ۵۶ شخصیت مذکور متهم شده‌اند که برخلاف مقررات حکومت نظامی بنام "قانون شماره ۱۴۰۲"، دست به انتشار اعلامیه با محتوای سیاسی زده‌اند.

تحریم موفقیت آمیز انتخابات نمایشی در آفریقای جنوبی

اکثريت شهروندان آسیایی الاصل آفریقای جنوبی از شرکت در انتخابات مجلسی "نمایندگان" این گروه از مردم کشور خودداری کردند. این مجلس، بنا به مقررات رژیم نژاد پرست پرتوریا، عملاً فاقد هرگونه حقی است. طبق آمار رسمی رژیم آپارتاید، تنها ۲۰ درصد واجدین شرایط ثبت شده، به پای صندوق‌های رای رفتند.

ارگان‌های سرکوب نژاد پرستان، در آستانه انتخابات، علیه تظاهرات و راهپیمایی‌هایی که به طرفداری از تحریم این نمایش برگزار شد، به خشونت متوسل شدند. تنها در لناسیا، محله‌ای از ژوهانسبورگ، ۱۰۰۰ نفر بر اثر حمله پلیس مجرمانه با توم، گاز اشک آور و سلاح‌های دارای گلوله‌های لاستیکی مجروح گشتند. در سووتو، شهرکی که قتل عام سال ۱۹۷۶ در آن به وقوع پیوست، تعداد زیادی از دانش آموزان بازداشت شدند. پلیس با حمله به یک خبرنگار، یک گویا را کشت و او را رینش را شکست. برخی دیگر از خبرنگاران، با ضربات باتوم مصدوم شدند.

در روز انتخابات، به ویژه در محلات آسیایی نشین، صد هشتاد دانش‌آموزان و دانشجویان از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کردند.

"کنگره ملی آفریقا" و "جبهه متحد دموکراتیک" از مردم دعوت کرده بودند که با انتخاباتی را که علاوه بر محروم ساختن کامل سیاهپوستان - نزدیک به سه چهارم جمعیت کشور - از شرکت در زندگی سیاسی و اجتماعی، متضمن حقوق برابر سایر گروه‌های غیر سفید (هندی‌ها و "دورگه‌ها") با سفیدپوستان نیز نخواهد بود، تحریم نمایند.

لازم به یادآوری است انتخابات "دورگه‌ها" که یک هفته پیش از نمایش انتخاباتی برای هندی‌ها برگزار شد، نیز به شکست کامل رژیم نژاد پرست انجامید. در آن انتخابات نیز، اکثريت واجدین شرایط رای ندادند.

اولیور تامبو، صدراعظم ملی آفریقا، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در آلمان دموکراتیک اظهار داشت برگزاری مانور انتخاباتی، باعث تقویت جنبش مقاومت گشته است. وی افزود: "خلق ما خواهان سرنگونی نظام کنونی و برقراری یک دولت دموکراتیک، واحد و غیر نژادی است که طبق اراده مردم حکومت کند."

**با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!**



تیراندازی به روستائیان

در خرداد ماه سال جاری در روستای "هرو" واقع در استان ایلام، از سوی دولت اقدام به توزیع سهمیه کود شیمیایی روستائیان نمودند. نا کافی بودن کود توزیع شده، باعث اعتراض دهقانان گردید. مسئولین مربوطه که برای زخمیکشان حق هیچگونه اعتراض و اظهار نظری قائل نیستند، به تهدید و توهین روستائیان پرداختند. "نمرد" روستائیان با اطلاع نیروهای سپاه پاسداران مستقر در "گهواره" میرسد. آنها بلافاصله یک واحد مسلح به تیربار بطرف این روستا روانه کردند. پاسداران به محض رسیدن به محل، شروع به تیراندازی بسوی مردم نمودند که در نتیجه آن عده زیادی مجروح شدند. تعدادی از این مجروحین که وضع خطرناکی داشتند، در بیمارستان شهر اسلام آباد بستری شدند.

بهشت زهرا

در تهران و همه شهرهای کشور حضور مردم بر مزار رزمندگان که بدست رژیم شهید شده‌اند، افزایش مییابد. این وضعیت حکومت را بشدت نگران کرده است. در تهران همانگونه که قبلاً گزارش کردیم، ارگانهای مختلفی از بهشت زهرا مراقبت میکنند تا از حضور مردم بر سر قبر شهدا جلوگیری نمایند. آنها کسانی را که در قطعه شهدا گرد میآیند، مورد ضرب و شتم قرار داده و گهگاه دستگیر میکنند. در دهام تیرماه، نیروهای سپاه، به قطعه شهدای سازمان مجاهدین خلق حمله کرده و همه کسانی را که در آنجا بودند، دستگیر نمودند. از جمله دستگیر شدگان دخترک ۱۴ سالهای بود که بر سر قبر برادر شهیدش که سه سال پیش تیرباران گردید، بنیسته بود. او را بزنندگان منتقل کرده و مورد تهدید و آزار قرار دادند. از جمله کیسه پر از سوسکی را باین دخترک نشان میدادند تا وحشتزده شود و اعتراف نماید که دوستان برادرش چه کسانی بودند. در حالیکه این دختر در زمان حیات برادرش، دخترچپه کوچکی بود و اطلاعی در این زمینه نمیتوانست داشته باشد تا به بازجوها بدهد، او را برای کسب اطلاعات و مجازات بخاطر حضور بر سر قبر برادر، تا سه روز در زندان نگهدارند.

در صنایع دفاع ملی

وضعیت نابسامان تولید و سیاستهای ضد کارگری رژیم باعث شده است تا کارگران صنایع کشور همواره در معرض اخراج قرار داشته باشند.

در واحدهای متعددی به بهانه فقدان مواد اولیه کافی برای حفظ سطح تولید، کارگران بسیاری را اخراج کرده‌اند. اما در این میان وضعیت کارخانه صنایع دفاع ملی استثنائی است. این کارخانه که تولیداتش در خدمت جنگ قرار دارد، برای حفظ سطح تولید و افزایش آن، از همه امکانات برخوردار است، از این روستا جمله معدود واحدهای تولیدی است که به استخدام جدید دست میزنند. اخیراً نیز گروهی کارگر تازه استخدام کرده است. مدیران و سرپرستان با استفاده از بی تجربگی کارگران جدید، اقدام می‌کنند، آنان را وادار سازند بر سرعت کار بفرمایند. اما کارگران قدیمی که در اعتراض به وضعیت موجود، عدا کارها را بکندی انجام میدهند، به کارگران تازه می‌آموزند که چگونه میتوان در برابر فشارهای سرپرستان مقاومت نمایند.

در همین کارخانه، کارگری که دیر سرکار حاضر شده بود، با توهین یکی از سرپرستان مواجه شد. در نتیجه کفکشی که ایجاد گردید، سرپرست بدست کتک خورد. مدیریت دستور اخراج فوری این کارگر را داد. اما کارگران بخش مربوطه به پشتیبانی از این کارگر برخاسته و موفق شدند مانع اخراج وی شوند.

در ایام انتخابات رفسنجانی بسیاری سخنرانی باین کارخانه آمده بود. برای اینکه کارگران را به محل سخنرانی بکشاند، درهای ناهاخری را بستند. کارگران بناچار پیله سالن سخنرانی رفتند. رفسنجانی بی آنکه به هیچ يك از مسائل کارگران اشاره ای بکند، به پرکشی خسته کنندهای درباره مسائل نامربوط پرداخت. از اواسط سخنرانی او بتدريج غالب کارگران سالن را ترك کردند.

نگهبان برای حفاظت از تصاویر

مردم ایران فراموش نکردند که رژیم شاه در پایان عمر خود مجبور بود، شبانه روز از بیکرها و تصاویری که از سرکردگان و دوستان منقور پهلوی در مجامع عمومی وجود داشت، از طریق استقرار دائمی محافظین مسلح، حفاظت نماید. آن رژیم میدانست که در غیر این صورت، مردم هرچه را که نشان شاهی داشته باشد، بزنر می‌کنند. این سرنوشت کراتبار و علانی ناپذیر همه مترجمین است و رژیم جمهوری اسلامی را هم از آن گریزی نیست.

در مدخل ورودی بندر اتلی از مدتها قبل تصاویر بزرگ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را در کنار جاده نصب کرده بودند. چندی پیش شبانه این تصاویر بدست مردم بصورت مضحکی تخریب میشود. این وضعیت اسباب خنده و تفسخر مردمی شد که از جاده پراز حامی اتلی - رشت گذر میکردند. پخش وسیع خبر در منطقه، رژیم

را در موقعیت حقارتباری قرار داد. مقامات محلی بدست و پا افتاده و چون ترمیم مجسد د تصاویر مقدور نبود، پرده بزرگ سفید بر روی آنها کشیدند تا پیش از آن مفتضح نشوند. اما از آنجا که میدانستند، هیچ تضمینی برای باقی ماندن پرده هم وجود ندارد، بناچار محافظین مسلح را به پاسداری از پرده گماشتند. و پاسدار، د و ژاندارم و دیاسبان مامور مراقبت و نداداری شدند.

جنایت بنام عدالت

همانگونه که مطبوعات خبر دادند بدستور مقامات قضائی رژیم و بر طبق لایحه ارتجاعی قصاص، احیاء در تهران چهار انگشتیک متهم بسرقت بریده شد. این متهم جوان بیست و سه ساله بود. این حکم وحشیانه بدست یکی از ایادی حکومت که دانشجوی پزشکی بود، اجرا شد. کوشش رژیم برای اینکه پزشکان و پزشکی قانونی را باین جنایت وادارد، به نتیجه نرسید و انزجار آنها را برانگیخت، حکومت تنها موفق شد یکی از این پزشکان را با جبار در صحنه جنایت بنشانند.

این اقدام قساوتبار، در میان کارکنان دادگستری خشم شدیدی بپارآورد. در زندان عصر تهران هم زندانیان وسیعاً این جنایت ارتجاع را محکوم کرده و نسبت به این جوان ابراز دمدردی میکردند.

تغییر روز انتشار
نشریه "اکثريت"

نشریه "اکثريت" از شماره ۲۴ به بعد به جای روزهای جمعه، دوشنبه هر هفته انتشار خواهد یافت.

AKSARIYAT
NO23
FRIDAY 7 SEPT 84

آدرس	آلمان فدرال
POSTFACH 23007 6500 MAINZ 23 W. GERMANY	
انگلستان	
P.O. BOX 101 LONDON N17 8YU ENGLAND	
ایالات متحده	
P.O. BOX 88158 LOS ANGELES, CA 90088 USA	
ایتالیا	
C.P. 3125 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY	
هندوستان	
P.O. BOX NO 3018 NEW DELHI - 110003 INDIA	

هرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!